



Harmonization of Criminal Procedure in Iran and the Common Law System (with Emphasis on the Stage of Preliminary Investigation in Line with the Appropriateness of Criminal Prosecution)

Shahab Amini Rastabi¹, Hassn Poorbafrani^{2*}, Ghodratoalh Khosroshahi²

1. Department of Law, Majoring in Criminal Law and Criminology, Naraq Branch, Islamic Azad University, Naraq, Iran.

2. Department of Law, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Contractualization or in other words, contractualization is a title given to a new approach to traditional criminal justice. Based on this new strategy, the system of responding to the crime and its perpetrator is formed and implemented, not only based on the unilateral decision of the judicial authority, but also through an agreement with the perpetrator of the crime.

Method: This research is of a theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of collecting information is library-based and by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In this research, the principles of trustworthiness, honesty, neutrality and originality of the work have been respected.

Results: Based on the consensus mechanism, the judicial authority can implement criminal justice from the traditional, vertical and one-way mode, horizontally and bilaterally in the cases determined by the law.

Conclusion: Iran's criminal justice system, with the approval of the Criminal Procedure Law approved in 2012, has been able to identify various examples and manifestations of the consensus strategy. On the other hand, one of the important stages of the implementation of these examples and effects is the stage of preliminary investigation by the prosecution authorities. In the legal system of common law, attention has been paid to the centrality of prohibition of criminal prosecution with the approach of alignment in justice in the stage of preliminary investigation

Keywords: Agreement; Criminal Procedure; Compromise Justice; Agreement with the Criminal; Preliminary Investigation

Corresponding Author: Hassn Poorbafrani; **Email:** hpoorbafrani@ase.ui.ac.ir

Received: April 14, 2023; **Accepted:** August 28, 2023; **Published Online:** October 10, 2023

Please cite this article as:

Amini Rastabi SH, Poorbafrani H, Khosroshahi GH. Harmonization of Criminal Procedure in Iran and the Common Law System (with Emphasis on the Stage of Preliminary Investigation in Line with the Appropriateness of Criminal Prosecution). *Medical Law Journal*. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e31.



توافقی‌شدن آیین دادرسی کیفری در ایران و نظام حقوقی کامن‌لا (با تأکید بر مرحله تحقیقات مقدماتی همسو با تناسب تعقیب کیفری)

شهاب امینی راستابی^۱، حسن پوربافرانی^{۲*}، قدرت‌الله خسروشاهی^۲

۱. گروه حقوق، گرایش حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: «توافقی‌شدن» یا به تعبیر دیگر، «قراردادی‌شدن» عنوانی است که به رویکردی جدید در مقابل عدالت کیفری سنتی اطلاق شده است. بر پایه این راهبرد جدید، نظام پاسخ‌دهی به بزه و مرتکب آن، نه فقط بر اساس تصمیم‌گیری یک‌جانبه مقام قضایی، بلکه از رهگذر توافق با مرتکب جرم، شکل گرفته و به اجرا درمی‌آید.

روش: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است و بر مبنای جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: بر اساس سازوکار توافقی‌شدن، مقام قضایی در مواردی که قانون تعیین می‌کند، می‌تواند عدالت کیفری را از حالت سنتی و عمودی و یکسویه، به صورت افقی و دوسویه به اجرا درآورد.

نتیجه‌گیری: نظام عدالت کیفری ایران با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، توانسته است مصادیق و جلوه‌های متنوعی از راهبرد توافقی‌شدن را شناسایی کند. از سوی دیگر، یکی از مراحل مهم اجرای این مصادیق و جلوه‌ها، مرحله تحقیقات مقدماتی و از سوی مقامات دادرسی است. در نظام حقوقی کامن‌لا نیز بر محوریت منع تعقیب کیفری با رویکرد همسوسازی در عدالت در مرحله تحقیق مقدماتی مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: توافقی‌شدن؛ آیین دادرسی کیفری؛ عدالت سازشی؛ توافق با مجرم؛ تحقیقات مقدماتی

نویسنده مسئول: حسن پوربافرانی؛ پست الکترونیک: hpoorbafrani@ase.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۶؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۱۸

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Amini Rastabi SH, Poorbafrani H, Khosroshahi GH. Harmonization of Criminal Procedure in Iran and the Common Law System (with Emphasis on the Stage of Preliminary Investigation in Line with the Appropriateness of Criminal Prosecution). Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e31.

مقدمه

نظام عدالت کیفری و روش‌های پاسخ‌دهی به جرم، به ویژه در دو سه دهه گذشته با تحولات مهم و مبنایی رو به رو بوده است، از جمله مهم‌ترین ابعاد این تحولات، رویگردانی از نظام عدالت کیفری سنتی و گرایش به عدالت کیفری توافقی است، در حالی که در نظام سنتی، مقام قضایی، عمدتاً و اصولاً به صورت یک‌جانبه و بدون لحاظ نظر و رویکرد بزه‌کار و یا بزه‌دیده، تصمیم‌گیری کرده و سازوکار واکنش نسبت به مرتکب جرم را تعیین کرده و به اجرا می‌گذارد، در نظام مدرن و بر پایه راهبرد «توافقی شدن»، برای تعیین و اجرای پاسخ به بزه، مقام قضایی سعی می‌کند با مجرم و یا در صورت اقتضا با بزه‌دیده، وارد گفتگو و تعامل شده و با مشارکت یکدیگر، بهترین و مؤثرترین روش پاسخ به جرم ارتكابی را مقرر کنند.

راهبرد توافقی شدن، موجب شده تا نظام عدالت کیفری در سیستم‌هایی که تحت تأثیر این راهبرد بوده و هستند، وضعیت متفاوتی با سیستم‌هایی که از این تأثیر بی‌بهره بوده و همچنان از روش‌های سنتی یکسویه و سزاگرا برای پاسخ‌دهی به جرم استفاده می‌کنند، یابند. بر پایه این تحول، نظام عدالت کیفری سنتی از حالت یک‌جانبه‌گرایی و انحصارگرایی قضایی، به حالت دوسویه‌نگری و بزه‌کارمداری و یا در موقع خود، بزه‌دیده‌مداری سوق یافته است. یکی از مراحل دادرسی کیفری که راهبرد توافقی شدن، به خوبی می‌تواند در آن جلوه‌گر شود، مرحله تحقیقات مقدماتی است. در این مرحله، مقامات قضایی در دادسراها سازوکارهای مبتنی بر راهبرد توافقی شدن را به اجرا درمی‌آورند. در نظام حقوقی کامن‌لا نیز بر اصل تعقیب به نفع عدالت تأکید شده و این اختیار به دادستانی داده شده که به اصل بر قراری عدالت به عنوان اصولی مهم در توافقی شدن آیین دادرسی در مرحله مقدماتی تحقیقات توجه شایانی صورت پذیرد.

روش

این پژوهش از نوع نظری بوده و روش پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت

کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها

در تحقیق حاضر، سعی بر این است که ضمن بررسی مفهوم، مبانی و ویژگی‌های راهبرد توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، ویژگی‌های این راهبرد مطالعه شود و نیز جلوه‌ها و مصادیق این راهبرد با تأکید بر مرحله تحقیقات مقدماتی، بر اساس تحولات تقنینی که با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در نظام قضایی کشور ما ایجاد شده، مقایسه‌ای نیز با نظام حقوقی کامن‌لا در بحث منع تعقیب کیفری در مرحله مقدماتی تحقیقات مورد مطالعه قرار گیرند.

بحث

۱. مفهوم و مبانی توافقی شدن آیین دادرسی کیفری با رویکرد شناخت مفهوم تعقیب: توافقی شدن آیین دادرسی کیفری از حیث حقوقی سازش/ مصالحه‌ای است که در پرتو آن مقام قضایی و بزه‌کار نسبت به چگونگی تعیین سرنوشت دعوی کیفری تصمیم‌گیری می‌کنند. این راهبرد به ایجاد تعهد میان طرفین مصالحه کیفری انجامیده و بر همین اساس آنان باید در راستای انجام تعهدهای خود گام بردارند (۱). در صورت بی‌اعتنایی بزه‌کار به تعهدهای خود، طرف دیگر (مقام قضایی) نمی‌تواند مانند عقد صلح او را به انجام تعهدهایش ملزم سازد، بلکه صرفاً می‌تواند تعقیب دوباره دعوی کیفری و اجرای دو مرتبه ضمانت اجراهای کیفری را از سر گیرد. توافقی شدن آیین دادرسی کیفری راهبردی دوجانبه است که در پرتو آن کنشگران در خصوص دسترسی به راه‌کاری مناسب به منظور سازش/ مصالحه کیفری با یکدیگر گفتگو می‌کنند. بر همین اساس از نظر حقوقی و در میان قراردادهای «عقد صلح» همانند است. به دیگر سخن، ماهیت حقوقی این راهبرد با عقد صلح انطباق داشته و از این جهت می‌توان توافقی شدن آیین دادرسی کیفری را با توجه به قواعد ناظر به عقد یادشده مورد بررسی قرار داد (۲).

آن‌ها قرار می‌گیرند، ناعادلانه جلوه می‌کند و موجبات ناکارآمد شدن نظام عدالت کیفری و بی‌اعتمادی به آن را فراهم می‌آورد و به ویژه در شماری از پاسخ‌های تعیین‌شده، انجام کارهایی به بزه‌کار محول می‌شود که فقدان رضایت وی در این زمینه، نظام عدالت کیفری را با چالش‌های حقوقی بشری نیز رو به رو می‌سازد، بدین ترتیب نقشی که بزه‌کار در فرایند تعیین پاسخ‌های نظام عدالت کیفری ایفا می‌کند و متعاقب آن، مصلحت‌اندیشی‌هایی که مقامات قضایی در این فرایند در ارتباط با بزه‌کار در نظر می‌گیرند را می‌توان یکی از مبانی سازش با متهم به ارتکاب جرم در دادرسی کیفری دانست (۶).

بر مبنای مفاد و اصول راهبرد توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، تغییر نگرش‌ها نسبت به بزه‌کار و نقش و جایگاهی که می‌تواند در دادرسی کیفری از آن برخوردار باشد، سبب شده که توافق و سازش با وی، به عنوان یک پیشنهاد مترقیانه از سوی بسیاری از اندیشمندان حقوق کیفری ارائه گردد. این تغییر رویکرد که موجب شده که سازوکار توافقی شدن آیین دادرسی کیفری به مثابه راهکاری مناسب برای اجتناب از کار بستن حقوق کیفری «عدالت کیفری عمودی» و اعمال صرف قدرت عمومی از بالا به پایین (یعنی از سمت مقامات قضایی نسبت به بزه‌کاران) وارد گفتمان مجریان و دست‌اندرکاران عدالت کیفری شود (۷). از این رهگذر انحصار عدالت کیفری و امری بودن غیر منصفانه آن دچار خدشه شده و زمینه مداخله بزه‌کار در فرایند تصمیم‌گیری قضایی فراهم می‌آید. راهبردهای مبتنی بر ارتقای جایگاه بزه‌کار در فرایند دادرسی کیفری و تمهید شرایط برای مداخله وی در تصمیم‌گیری‌های قضایی، برخلاف رویکرد عمودی، هویت خاصی به بزه‌کار می‌بخشند و او را به عنوان سهامدار مهمی از فرایند کیفری معرفی و واجد نظر و احترام و منزلت می‌داند و سعی در تعیین و اجرای پاسخ مناسب و درخور نسبت به وی بزه‌کاری او دارد (۸).

در نظام حقوقی کامن‌لا تعقیب در قالب دو اصل الزامی بودن تعقیب و یا به عبارتی تساوی در تعقیب و اصل متناسب بودن تعقیب یا همان اقتضای تعقیب در این نظام حقوقی دارد. در اصل الزامی بودن تعقیب به طور موثق به اجبار دستگاه قضایی

در راهبرد توافقی شدن، مقام قضایی و بزه‌کار باید در خصوص یک موضوع معین با یکدیگر هم‌نظر باشند. این توافق در گستره آیین دادرسی کیفری ناظر به چگونگی تعیین پاسخ و سرنوشت تعقیب دعوای کیفری است، یعنی مقام قضایی و بزه‌کار باید با یکدیگر در زمینه ادامه یا توقف تعقیب دعوای کیفری، نوع و میزان پاسخ عدالت کیفری گفتگو و توافق نمایند. بنابراین توافق در قلمرو آیین دادرسی کیفری به شکل همکاری دوسویه مقام قضایی و بزه‌کار در خصوص تعیین سرنوشت دعوای کیفری متبلور می‌گردد. در این بستر، موضوع توافق میان طرفین راهبرد مذکور تعیین نوع و میزان پاسخ نسبت به بزه‌کاری است (۳).

دستگاه قضایی در پی ارتکاب جرم و نقض آسایش جامعه در مقابل دو اصل بنیادین قرار می‌گیرد. از طرفی با توجه به تعلق دعوی عمومی به جامعه، دستگاه قضایی موظف به تعقیب جرائم و اقامه دعوی علیه متهم و نهایتاً محاکمه او می‌باشد (۴). از این تکلیف به عنوان اصل قانونی بودن یا الزامی بودن تعقیب یاد می‌شود که در سیستم عدالت کیفری سنتی بی‌چون و چرا اجرا شده و دست مقام قضایی را برای هرگونه توافق با متهم یا مجرم می‌بندد. از طرف دیگر با در نظر گرفتن ملاحظات دیگری ممکن است دستگاه قضایی به این نتیجه برسد که خودداری از ادامه تعقیب یا تخفیف یا سقوط مجازات به صلاح متهم یا جامعه است. از این رو اصل نوین دیگری به نام اصل موقعیت داشتن یا مناسب بودن تعقیب و مجازات شکل گرفته که مکمل اصل نخست و بستر انجام هرگونه توافق با متهم می‌باشد (۵).

۱-۱. مبانی توافقی شدن در ارتباط با بزه‌کار در حقوق

ایران و نظام حقوقی کامن‌لا: توجه به نقش و تأثیرگذاری بزه‌کار در فرایند تعیین پاسخ نظام عدالت کیفری به بزه‌کاری در وهله اول بر این مبنا استوار می‌باشد که بزه‌کار مطابق اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، پس از ارتکاب جرم سزاوار تحمل پاسخ‌های از قبل تعیین شده از سوی نظام عدالت کیفری است، لذا تعیین یا تغییر این پاسخ‌ها بدون در گرفتن نظر کسانی که آن‌ها را تحمل می‌کنند و مشمول روند اجرای

کم‌اهمیت بوده و دادستان قادر خواهد بود تعقیبی که پلیس آن را آغاز کرده بنا بر مصلحت متوقف سازد، البته باید تأکید شود که استفاده از متناسب بودن تعقیب منوط به ارزیابی پرونده و سنجش ادله علیه متهم و ملحوظ نمودن نفع عمومی در تعقیب یا عدم تعقیب دارد و در واقع مقام تعقیب بر اساس مصلحت عمومی تصمیم می‌گیرد، نه مصلحت‌های خاص یک شخص. به عبارتی مقام تعقیب موظف خواهد بود که خسارات وارد ناشی از جرم به بزه‌دیده را مد نظر قرار دهد، اما ملزم به تصمیم‌گیری بر اساس خواست نمی‌باشد.

بدین ترتیب در فرض توافقی شدن عدالت کیفری و آیین دادرسی کیفری و متعاقب آن در فرض سازش با متهم، نباید نمی‌توان از حقوق و منافع طرف بزه‌دیده غفلت نمود، بلکه این حقوق و منافع همه در تعیین و اجرای پاسخ نسبت به بزه‌کار باید ملحوظ نظر قرار گیرد، لذا برخی از منافع سازش با متهم، در راستای مبانی تعریف شده که بر نقش و جایگاه بزه‌دیده در دادرسی کیفری تأکید می‌کنند و یا در راستای احقاق حقوق پایمال شده او مصلحت‌اندیشی را توجیه می‌کنند (۱۱).

در حقوق ایران عدالت کیفری توافقی، نسبت به بزه‌دیدگان، رویکردی متفاوت از نظام عدالت کیفری سنتی اتخاذ کرده و آن‌ها را از قشری فراموش شده به افرادی کاملاً مورد توجه تبدیل نموده است. بر همین اساس تأکید شده که در فرض سازش با متهم و اتخاذ هر تدبیر مبتنی بر توافق با وی در دادرسی کیفری باید حقوق و منافع بزه‌دیده را هم ملحوظ نظر قرار داد، لذا پذیرش سازش (توافق) با بزه‌کار، هرگز نباید به حوزه حقوق و منافع بزه‌دیدگان خدشه‌ای وارد سازد. رفته‌رفته بزه‌دیدگان جایگاه و منزلت شایسته و بایسته خود را می‌یابند و در تصمیم‌گیری‌های قضایی منشأ اثر می‌شوند (۱۲).

پذیرش جایگاه و اعتبار شخصیتی برای بزه‌دیدگان در دادرسی‌های کیفری در واقع، رویکردی مکمل آن چیزی است که درباره بزه‌کاران و جایگاه آن‌ها در دادرسی کیفری گفته شد. از برآیند توجه به بزه‌کار و بزه‌دیده در دادرسی کیفری می‌توان انتظار داشت که بهترین و در عین حال، مؤثرترین و کارآمدترین پاسخ از سوی نظام عدالت کیفری نسبت به بزه‌کاری اندیشیده شده و مورد حکم قرار گیرد (۱۳).

در تساوی تعقیب دعوای کیفری اشاره دارد، بدین مفهوم که لزوم تعقیب را نسبت به همه به طور یکسان ایجاد می‌کند. از این رو همه جرائم باید مورد تعقیب قرار گیرند. به عبارتی دادستان به محض اطلاع از وقوع جرم نسبت به تعقیب آن اقدام به گردآوری شواهد و اسناد کرده و از مصلحت‌سنجی اجتناب می‌ورزد، اما مطابق اصل متناسب بودن تعقیب، این اجازه به دادستان داده شده که با توجه به شرایط و اوضاع و احوال موجود و وضعیت متهم از تعقیب موقت یا دائم او خودداری ورزد.

بدین ترتیب افزایش میزان توجه به هویت بزه‌کار و جایگاه وی در فرایند دادرسی کیفری، رفته‌رفته نوعی عدالت کیفری توافقی مبنی بر دخالت دادن بزه‌کار در فرایند دادرسی کیفری را شکل می‌دهد. این رویکرد جدید سبب می‌شود دست‌اندرکاران عدالت کیفری دست کم در شماری از موارد، با مشارکت بزه‌کار به اتخاذ تصمیم و تعیین پاسخ مناسب به وی مبادرت ورزند (۹).

۱-۲. مبانی توافقی شدن در ارتباط با بزه‌دیده در حقوق

ایران و نظام حقوقی کامن‌لا: راهبرد سازش با متهم تنها با این هدف که بزه‌کار و اظهارات و جایگاه او را در دادرسی کیفری لحاظ کند، معرفی نشده، بلکه توجه به نقش و جایگاه و اعتبار بزه‌دیده نیز یکی از محورهای مهم آن ارزیابی شده است. به هر حال بزه‌دیده شخصی است که از قبل رفتار مجرمانه بزه‌کار دچار زیان و آسیب گردیده است، لذا حمایت از وی و صیانت از حقوق و منافع وی اقتضا می‌کند که ضمن تعیین و اجرای بهترین مؤثرترین و کارآمدترین پاسخ در حق بزه‌کار، حقوق از دست‌رفته بزه‌دیده نیز در این پاسخ تضمین شده و نسبت به وی احیا گردد. بنابراین می‌توان آن پاسخی را، پاسخ مناسب عدالت کیفری به بزه‌کار محسوب نمود که در عین کارآمدی نسبت به بزه‌کار و تحقق بازپروری و اصلاح نسبت به وی، حقوق از دست‌رفته و پایمال شده بزه‌دیده را نیز احقاق کند (۱۰).

در قانون عدالت کیفری در نظام کامن‌لا اختیار دادستان در زمینه اعمال اصل متناسب بودن تعقیب محدود به جرائم

اهمیت دارد، پیامد پاسخ‌دهی نظام عدالت کیفری به بزه‌کاران و نتیجه تدابیر و اقدام‌های آن می‌باشد (۱۷).

در نظام حقوقی کامن‌لا تعلیق تعقیب دعوی کیفری از مصادیق متناسب بودن تعقیب است که بر حسب آن دادستان پس از احراز شرایط مقرر در قانون می‌تواند پیگیری دعوی کیفری را برای مدت زمانی مشخص معلق نماید. نوع جرم، سن بزه‌کار و شرایط ارتکاب جرم و اقدامات پس از ارتکاب در اتخاذ تصمیم تعلیق مؤثر خواهد بود. در این نظام حقوقی در مواردی از تعلیق تعقیب استفاده می‌گردد که با توجه به اوضاع و احوال پرونده صدور چنین قراری مناسب تشخیص داده شود و همچنین جرم از جرائم کم‌اهمیت شمرده شده و متهم نیز به اتهام خود اقرار کرده باشد.

نظام عدالت کیفری در پاره‌ای از موارد و به منظور فایده‌رسانی بیشتر به جامعه از مجازات کردن صرف مجرمان منصرف شده و با رعایت ملاحظات دیگر درصد تغییر پاسخ‌های پیش‌بینی شده برمی‌آید. چنین تدابیر و راهبردهایی نمی‌توانند نظام عدالت کیفری را بر اساس معیارهای رویکرد سزادهی به نهادی برای اجرای عدالت و پاسداری از ارزش‌های بنیادین اجتماعی تبدیل کنند، زیرا نظام عدالت کیفری بر پایه آموزه‌های رویکرد یاد شده باید برای پاسخ‌دهی آنچه که به وقوع پیوسته (یعنی، جرم) را بر دیگر هدف‌ها و کارکردهای خود مقدم شمارد و از این طریق در راستای دفاع اجتماعی گام بردارد (۱۸).

۱-۳-۲. تسامح کیفری در حقوق ایران و نظام حقوقی کامن‌لا: تمام مصادیق و جلوه‌های راهبرد توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، دارای یک ویژگی بارز یعنی، کنارگذاری روش‌های سنتی عدالت کیفری هستند. سیاستی که نظام عدالت کیفری در پرتو آن، لزوماً بر استفاده از سازوکارهایی مانند توسعه جرم‌انگاری‌ها، افزایش میزان کیفر، تعقیب همه‌گونه‌های بزه‌کاری تا پایان فرآیند کیفری و اجرای کامل مجازات بر مرتکبان تکیه نمی‌کند و بهره‌جستن از همه ظرفیت‌های نظام حقوقی و قابلیت‌های نهادهای جامعه‌ی، گذر از شیوه‌های سنتی پاسخ‌دهی و شناسایی رویکرد «رواداری کیفری» را به رسمیت می‌شناسد (۱۹). در نظام حقوقی

آنچه محور همه نظریه‌پردازی‌ها در قلمرو توافقی کردن آیین دادرسی کیفری است، همین امر است، یعنی لحاظ منافع و حقوق هر دو دسته بزه‌کاران و بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی کیفری به منظور تعیین و اجرای بهترین پاسخ به بزه‌کاری، بدین ترتیب هر جا که بزه‌کار و جایگاه وی در دادرسی کیفری مورد توجه قرار می‌گیرد، بزه‌دیده و موقعیت وی نیز در قانون توجه خواهد بود (۱۴).

۱-۳-۳. ویژگی‌های راهبرد توافقی شدن آیین دادرسی کیفری: راهبرد توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، از آنجا که به کلی، رویکردی مخالف نظام عدالت کیفری سنتی به نحوه واکنش و نظام پاسخ‌دهی به جرم دارد، طبعاً ویژگی‌های خاص خود را نیز داراست. عمده ویژگی‌های راهبرد جدید را می‌توان عبارت دانست از: اجتناب از سزاگرایی و رویکردهای قهری صرف، تسامح کیفری، دوسویه شدن عدالت کیفری و شهروندمداری نظام عدالت کیفری. در ادامه، این موارد بررسی می‌شوند (۱۵).

۱-۳-۱. اجتناب از سزاگرایی و رویکردهای قهری صرف در حقوق ایران و نظام حقوقی کامن‌لا: نظریه سزاگرایی با رویکردی گذشته‌گرا به بزه‌کاری و چگونگی پاسخ‌دهی به مجرمان نگرسته و بر همین اساس هدف فایده‌گرایانه نظام عدالت کیفری که ناظر به آینده بزه‌کاران است را مردود می‌شمارد. نظریه مذکور بر این فرض استوار است که بزه‌کاران با ارتکاب جرم بدی/ شری را در جامعه پدید آورده‌اند و صرفاً از طریق تحمیل مجازات بر آنان می‌توان عدالت را اجرا و از ارزش‌های اجتماعی حمایت کرد، پس در پرتو این نظریه هدف نظام عدالت کیفری ملامت/ سرزنش کردن بزه‌کاران بوده و به این ترتیب کیفر متناسب با تقصیر مجرمان باید بر آنان تحمیل گردد (۱۶).

در حقوق ایران راهبرد توافقی شدن آیین دادرسی کیفری از مصادیق هدف سودمدار نظام عدالت کیفری است که با رویکردی آینده‌نگر به دنبال تغییر و بهبود وضعیت بزه‌کاران در آینده است. این راهبرد با بهره‌جستن از روش‌های مختلف تلاش می‌کند تا مجرمان پس از خروج از نظام عدالت کیفری دیگر به سراغ ارتکاب جرم نروند. در پرتو راهبرد یادشده آنچه

راهبردی است که در پرتو آن بنیادها و ساختارهای حقوق کیفری در برخی از قلمروها با تحولات متعددی مواجه می‌شود. روآوری به این راهبرد از دلایل متعددی سرچشمه می‌گیرد که پاسخ‌دهی سریع به شماری از گونه‌های بزه‌کاری (جرم‌های سبک) و برخی از مجرمان (بزه‌کاران بدون سوءپیشینه، کودکان بزه‌کار)، پیشگیری از الصاق برچسب مجرمانه به مرتکبان جرم، کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری، از جمله آن‌ها به شمار می‌روند. نظریه برچسب‌زنی به عنوان یکی از مبانی نظری متناسب‌بودن تعقیب در نظام حقوقی کامن‌لا مطرح شده است که اختیارات پلیس و عملکرد وی در دستگیری‌ها را مورد انتقاد قرار داده است و سبب تحول بزرگی در سیاست‌های جنایی شده است، به ویژه در مورد کودکان که دادرسی آن‌ها از حیطة اختیارات پلیس و دادرسی خارج شده و تمامی مراحل دادرسی حتی تحقیقات مقدماتی نیز در دادگاه انجام می‌پذیرد (۲۲).

۱-۳-۴. شهروندی مداری در حقوق ایران و نظام حقوقی کامن‌لا: آیین دادرسی کیفری از رهگذر این «پس‌روی کیفری» و پذیرش این نکته که در برخی قلمروها می‌توان برای یکی از اصلی‌ترین نقش‌آفرین دعوی کیفری، (یعنی، مجرمان) در تعیین سرنوشت کیفری نقش قائل شد، فرآیند کیفری را به بستری برای توافق/چانه‌زنی کیفری تبدیل کرده است. این تحول در نوع نگرش سیاستگذاران جنایی به بزه‌کاران ریشه دارد. در پرتو «نگرش شهروندمدار» بزه‌کاران عضو از جامعه بوده که باید با به کارگیری تدابیر مناسب انسان‌مدار، آنان را به جامعه بازگرداند (۲۳).

در این چارچوب نظام عدالت کیفری بستری برای آموزش هنجارها به بزه‌کاران و بازگرداندن آنان به زندگی سالم اجتماعی به شمار رفته و با روش‌های متنوع در راستای پاسخ‌دهی به این عضو جامعه گام برمی‌دارد. این رویکرد دارای آثار متعددی، از جمله رواداری کیفری است که برای دست‌اندرکاران عدالت کیفری امکان نشان‌دادن انعطاف در قبال بزه‌کاران از طریق توافقی شدن آیین دادرسی کیفری را فراهم می‌آورد، در حالی که در پرتو «نگرش دشمن‌مدار» به

کامن‌لا اختیار دادستان در تحمیل شرطی بر بزه‌کار همچون ارائه خدمات به بزه‌دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیانبار مادی و یا معنوی ناشی از جرم که به دنبال پذیرش این تعهدات از سوی بزه‌دیده دادستان تعقیب وی را متوقف خواهد کرد. این ترک تعقیب مشروط، در حقیقت شکلی از مجازات محسوب نمی‌گردد و این جبران خسارت صرفاً به صورت داوطلبانه بر بزه‌کار قابل اعمال است، در حالی که جبران خسارت موضوع حکم دادگاه یک‌جانبه بوده و مجازات محسوب می‌شود.

در حال حاضر، در حقوق ایران نگرش‌ها از مطلق‌گرایی در اجرای مجازات‌ها به واقع‌گرایی سوق یافته است. مجازات، در گفتمان‌های جدید جرم‌شناسانه و کیفرشناسانه، بیش از آنکه به سزا و عقوبت و تنبیه توجه کنند، اصلاح و درمان و بازپروری مجرمان را دنبال می‌کنند. به همین دلیل، زمانی که اجرای مجازات‌ها ضرورت چندانی نداشته باشد و یا اینکه اعطای فرصت به بزه‌کار برای جبران مافات، مناسب و مؤثر باشد و در عین حال، عمل ارتكابی فرد، چندان مهم نیست و می‌توان از آن چشم‌پوشی نمود، باید سیاست نرمش و تسامح در برابر جرم و مرتکب آن را به کار بست، البته این به معنای رهاکردن بزه‌کار به حال خود نیست و حتی در صورت اعتقاد مقام قضایی به عدم تعقیب، برخوردارکردن او از مزایای عدم تعقیب، منافاتی با اعمال نظارت بر او ندارد (۲۰).

توضیح اینکه در اینجا صرفاً از تعقیب کیفری که آثار مخصوص خود را دارد، چشم‌پوشی شده و نه از نظارت بر مرتکب جرم. با اعمال نظارت، هم جامعه، درگیر پیگرد قضایی موضوعی نشده که کم‌اهمیت است و می‌توان با دید اغماض به آن نگریست و هم از سوی دیگر، مرتکب جرم تحت نظارت مستمر قرار می‌گیرد تا ضمن هدایت رفتارش، از ارتکاب جرم او جلوگیری به عمل آید. در واقع اعمال این نظارت، نهبی است به مرتکب جرم از سوی دستگاه قضا و جامعه که درست است مرتکب جرم، از تعقیب رها شده، ولی از نظارت رها نشده است (۲۱).

۱-۳-۳. دوسویه شدن عدالت کیفری در حقوق ایران و نظام حقوقی کامن‌لا: توافقی شدن آیین دادرسی کیفری

دلیل ترجیح داشتن استفاده از تدابیر سرکوبگر زمینه پذیرش و اجرای این راهبرد وجود ندارد (۲۴).

۲. جلوه‌های توافقی شدن آیین دادرسی کیفری در ایران در مرحله تحقیقات مقدماتی: در نظام دادرسی کیفری کنونی حاکم بر ایران، جلوه‌های توافقی شدن آیین دادرسی کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی را می‌توان عبارت دانست از: بایگانی کردن پرونده، تعلیق تعقیب کیفری، تعویق تعقیب کیفری، ترک تعقیب کیفری یکایک این موارد، در ادامه بررسی می‌شوند. در جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ چنانچه شاکی وجود نداشته باشد یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، مقام قضایی می‌تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم، برای رعایت مقررات قانونی، فقط یک بار از تعقیب متهم خودداری کند و «قرار بایگانی پرونده» را صادر کند (۲۵).

از جمله نکات مهم در این قرار این است که تنها در خصوص جرائمی که مجازات کمی دارند، قابل اعمال است و بنا بر تصریح ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری، برای جرائمی که مجازات آن‌ها کمتر از شش ماه حبس است، می‌توان به این قرار استناد کرد. علاوه بر این، شاکی خصوصی هم نباید در کار باشد یا اگر هست، باید رضایت خودش را اعلام کرده باشد، وگرنه امکان صدور چنین قرار و وجود ندارد، زیرا مهم‌تر از مجازات یا بخشش متهم، موضوع پیگیری حق شاکی خصوصی مطرح است. همچنین متهم نیز باید سابقه محکومیت مؤثر کیفری نداشته باشد و از جمله افرادی نباشد که سابقه رفتارهای بزه‌کارانه داشته باشد. به طور قطع نحوه مواجهه و برخورد با متهمی که برای بار اول پایش به دادسرا و دادگاه باز شده باید متفاوت از متهمی باشد که سابقه شرارت و بزه‌کاری داشته، حتی به مجازات‌های مؤثر هم محکوم شده است (۲۶).

نکته‌ای که وجود دارد اینکه جرائمی که تعزیر درجه ۷ و ۸ هستند، مستقیماً در دادگاه طرح می‌شوند (ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲) و بدین ترتیب دادسرا در

مورد تعقیب و تحقیق نسبت به آن‌ها مدخلیتی ندارد، بدین ترتیب بر اساس مواد قانونی موجود، امکان صدور قرار بایگانی پرونده در جرائم مقرر قانونی در دادسرا و توسط مقامات این نهاد قضایی وجود ندارد و صرفاً دادگاه‌ها می‌توانند نسبت به اعمال این امکان قانونی اقدام نمایند. بنابراین منظور از مقام قضایی در ماده ۸۰، قاضی دادگاه است و نه بازپرس، زیرا صدور این قرار فقط در جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ امکان‌پذیر است و به موجب ماده ۳۴۰، رسیدگی به این جرائم، به طور مستقیم در دادگاه صورت می‌گیرد. با توجه به اینکه در ماده ۸۰ گفته شده که مقام قضایی می‌تواند «پس از تفهیم اتهام» این قرار را صادر کند و در جرائمی که مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شود، دادستان بدون تفهیم اتهام پرونده را به دادگاه ارسال می‌کند، صدور این قرار در اختیار دادستان نیز نمی‌باشد. بنابراین محل قرارگرفتن این ماده ذیل فصل «وظایف و اختیارات دادستان» صحیح نیست. در واقع در متن اولیه لایحه، صدور قرار موضوع این ماده از اختیارات دادستان شناخته شده و به همین دلیل، قرار مذکور در این فصل آمده بود و «در دادگاه کیفری مربوط» نیز قابل اعتراض اعلام شده بود. با تغییراتی که در جریان بررسی و تصویب قانون پیش آمد و با توجه به ماده ۳۴۰، کلمه «مقام قضایی» جایگزین «دادستان» گردید، البته ناگفته نماند که در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۷/۱۷۰۶ به تاریخ ۱۳۹۷/۶/۳ اداره حقوقی قوه قضاییه که در جای خود مورد بررسی قرار خواهد گرفت، آمده است که: «... طبق ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری در جرائم درجه ۷ و ۸ با شرایط مندرج در این ماده امکان صدور قرار بایگانی پرونده وجود دارد و علی‌الاصول این جرائم مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شوند. با این حال، در صورتی که این جرائم همراه با جرائم دیگر باشند، تحقیقات تمامی این جرائم در دادسرا انجام می‌شود. در این وضعیت مقامات قضایی دادسرا، می‌توانند در خصوص جرائم یادشده (درجه ۷ و ۸) در صورت تحقق شرایط قانونی مذکور در ماده ۸۰ صدرالذکر مبادرت به صدور قرار بایگانی پرونده نمایند...»، به

نظر می‌رسد اختلاف در این باره می‌تواند در قالب یک رأی وحدت رویه به سرانجام برسد (۲۶).

تعویق تعقیب دعوی کیفری، از جمله شیوه‌های توافقی شدن آیین دادرسی کیفری است که به موجب آن دادستان با توافق متهم تعقیب دعوی کیفری را برای مدت زمانی مشخص به تأخیر می‌اندازد. به دیگر سخن، موکول کردن پیگرد دعوی کیفری به وقت دیگر را تعویق تعقیب دعوی کیفری گویند. به این ترتیب، تعویق تعقیب دعوی کیفری شیوه‌ای است که در پرتو آن دادستان ادامه پیگرد پرونده‌های کم‌اهمیت را برای دوره‌ای معین به تأخیر می‌اندازد (۲۷).

بر اساس ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، «در جرائم تعزیری درجه شش تا هشت که قابل تعلیق هستند، دادستان می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، مهلتی که بیش از دو ماه نباشد به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند...» شیوه مذکور از این جهت توافقی به شمار می‌آید که دادستان پس از درخواست متهمان و موافقت بزه‌دیدگان به صدور قرار تعویق تعقیب دعوی کیفری مبادرت می‌ورزد. صدور این قرار به اراده طرفین دعوی کیفری و دادستان وابسته است، یعنی در اثر توافق میان آن‌هاست که تعقیب دعوی کیفری برای مدت زمانی مشخص دچار وقفه شده تا در پرتو آن متهمان در راستای تحصیل گذشت شاکی - بزه‌دیده یا جبران خسارت ناشی از جرم گام بردارند (۲۸).

از سوی دیگر، موافقت بزه‌دیده، از جمله شرایط صدور قرار تعویق تعقیب دعوی کیفری پیش‌بینی شده است. به موجب این ماده دادستان هنگامی می‌تواند قرار مذکور را صادر کند که پس از درخواست متهم، دیگر نقش‌آفرین دعوی کیفری (یعنی، بزه‌دیده) با صدور آن موافق باشد. نظر بزه‌دیده برای صدور این قرار اهمیت داشته و موافقت وی در ماهیت تصمیم دادستان بسیار تأثیرگذار است.

این شرط دارای ماهیت ترمیمی بوده و توجه به نظر بزه‌دیده بستری مناسب برای آرامش روحی - روانی او و تلاش بزه‌کار به منظور ترمیم خسارت‌های وارده به شمار می‌رود. تعویق

تعقیب دعوی کیفری با وجود این که از جمله روش‌های توافقی شدن آیین دادرسی کیفری در مرحله پیش دادرسی است، از ماهیت ترمیمی نیز برخوردار بوده و زمینه‌ای برای جبران خسارت‌ها و تأمین خواسته‌های بزه‌دیده به شمار می‌رود. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که تعویق تعقیب دعوی کیفری شیوه دیگری از راهبرد مذکور است که به موجب آن و با موافقت دادستان، بزه‌کار و بزه‌دیده تعقیب دعوی کیفری تا مدتی به تأخیر می‌افتد (۲۹).

۱-۲. تعلیق تعقیب: مهم‌ترین جایگزین تعقیب که می‌تواند اثرات مثبتی در اصلاح و بازاجتماعی شدن مرتکب جرم داشته باشد و بدون پیامد منفی که معمولاً از محکومیت به کیفر حاصل می‌شود و جامعه را از اهداف مقرر برای مجازات برخوردار نماید، نهاد تعلیق تعقیب است. این سیاست جنایی تقنینی زمانی مطلوب است که در فرایند یک سیاست جنایی قضایی و اجرایی دقیق و حساب‌شده از آن بهره‌برداری شود.

تعلیق تعقیب در نظام حقوقی کشور ما از سوابق دیرینه‌ای برخوردار است. ماده ۴۰ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۱ و سپس ماده ۲۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ نخستین مقرراتی بودند که به موجب آن‌ها قرار تعلیق تعقیب در نظام کیفری ما پیش‌بینی شده بود. حذف دادسرا از نظام دادرسی در سال ۱۳۷۳ سبب متروک‌ماندن این تأسیس مهم حقوق کیفری شد. متأسفانه پس از احیای دادسراها نیز توجهی به آن نشد و استناد به مقررات سابق با چالش جدی مواجه بود تا اینکه خوشبختانه قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۸۱ توجه خاصی به این قرار معطوف داشت و در جرائم قابل توجهی که مستوجب مجازات تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ باشد، امکان اجرای مقررات تعلیق تعقیب را فراهم نموده است (۳۰).

۲-۲. ترک تعقیب: طبق ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری، در جرائم قابل گذشت، شاکی می‌تواند تا قبل از صدور کیفرخواست درخواست ترک تعقیب کند. در این صورت، دادستان، قرار ترک تعقیب صادر می‌کند. شاکی می‌تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یک بار تا یک سال از تاریخ

صدور قرار ترک تعقیب درخواست کند. قرار ترک تعقیب یکی از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری جدید است که دادستان می‌تواند قبل از این که کیفرخواست صادر شود، درخواست ترک تعقیب نماید، البته این اختیار فقط در مورد جرائم قابل گذشت وجود دارد.

در جرائم قابل گذشت، شاکی یا مدعی خصوصی تا پیش از صدور کیفرخواست در دادسرا می‌تواند با شرایطی، بدون اینکه از مشتکی‌عنه گذشت کند یا از حق خود صرف نظر کند، ادامه محاکمه را ترک کند، در این صورت بازپرس، «قرار ترک تعقیب» در پرونده صادر می‌کند، البته صدور این قرار مانع طرح شکایت مجدد از سوی شاکی نیست.

ترک تعقیب قرار است که به موجب آن، تعقیب و تحقیق جرم ارتكابی بر اساس خواسته شاکی متوقف می‌شود. درخواست ترک تعقیب، معمولاً زمانی مطرح می‌شود که بین شاکی و متشاکی (متهم) توافقاتی حاصل شود و متهم وعده‌هایی دهد که شاکی را ترغیب کند از ادامه روند شکایت خود صرف نظر کرده و حقوق از دست‌رفته احتمالی خود را از طریق غیر قضایی یا مذاکرات آتی مطالبه کند. در جرائم قابل گذشت، هرگاه شاکی رضایت خود را مشتکی‌عنه اعلام کند یا به طور کلی از حق خود صرف نظر کند، در این صورت رسیدگی متوقف شده و بازپرس در مرحله دادسرا و قاضی در مرحله دادگاه قرار موقوفی تعقیب صادر می‌کنند. قرار موقوفی تعقیب دارای اعتبار امر قضاوت شده است و شاکی پس از اعلام رضایت یا پس از اسقاط حق، نمی‌تواند دوباره به همان دلیل از مشتکی‌عنه شکایت کند، اما در قرار ترک تعقیب این‌گونه نیست و شاکی این حق را دارد تا در مدت مشخص بتواند دوباره شکایت خود را مطرح کند (۳۱).

باید توجه داشت برای قرار ترک تعقیب حق شاکی است که آن را تقاضا کند و دادستان می‌تواند آن را صادر کند. درخواست قرار ترک تعقیب تنها از سوی شاکی قابل طرح است، البته قرار ترک تعقیب از زمره قرارهای قابل تجدید نظرخواهی نیست و نه متهم و نه شاکی، حق اعتراض به آن را ندارند. در خصوص شرایط درخواست تعقیب مجدد متهم هم

باید گفت در قانون برای تعقیب مجدد یک سال فرصت داده شده است، به طوری که شاکی می‌تواند تعقیب مجدد را از تاریخ صدور ترک تعقیب تا یک سال بعد آن برقرار کند. در خصوص جرائمی که بدون طرح در دادسرا، مستقیم در دادگاه مطرح می‌شوند (ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری) قاضی دادگاه کیفری می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری، قرار ترک تعقیب صادر کند. با صدور قرار ترک تعقیب، اگر متهم در زندان باشد، آزاد می‌شود و اگر برای متهم وثیقه سپرده شده باشد، دستور رفع توقیف از وثیقه صادر خواهد شد. همچنین در صورتی که در راستای تقاضای تأمین خواسته کیفری، اموالی از متهم توقیف شده باشد نیز دستور رفع توقیف از اموال متهم صادر خواهد شد، البته بازپرس پس از صدور قرار ترک تعقیب، باید درباره استرداد و یا معدوم کردن اشیا و اموال مکشوفه که دلیل یا وسیله ارتكاب جرم بوده، از جرم تحصیل‌شده، حین ارتكاب استعمال شده و یا برای استعمال اختصاص داده شده است، تعیین تکلیف کند (۳۲).

نتیجه‌گیری

توافقی شدن آیین دادرسی کیفری راهبردی است که امروزه مورد توجه سیاستگذاران جنایی قرار گرفته است. با راهیابی این راهبرد به حقوق کیفری شیوه‌های پاسخ‌دهی به بزه‌کاری متنوع شده و از رهگذر فراهم کردن زمینه اظهار نظر و مداخله مرتکبان جرم در خصوص رفتارهای مجرمانه تصمیم‌گیری می‌شود. در پرتو این راهبرد مقام قضایی و بزه‌کار می‌توانند در مرحله‌های مختلف فرآیند کیفری با همکاری اراده یکدیگر نسبت به تعیین سرنوشت دعوی کیفری تصمیم‌گیری کنند. راهبردی که پاسخ‌دهی به بزه‌کاری را در گرو موافقت مقام قضایی و بزه‌کار در زمینه چگونگی توقف و یا ادامه تعقیب دعوی کیفری، نوع و میزان پاسخ‌ها می‌پندارد. این راهبرد به پس‌روی نظام عدالت کیفری از تحمیل محض و یک‌جانبه ضمانت اجرای کیفری انجامیده و عدالت کیفری را به

بستری برای توافق/ معامله مقام قضایی و بزه‌کار تبدیل می‌سازد.

عدالت کیفری در پرتو راهبرد مذکور فقط به دنبال تحمیل یک‌جانبه سیاست‌های کیفری از پیش تعیین شده نیست، بلکه با رویکردی مصلحت‌سنجانه و ارزیابی همه‌جانبه نسبت به کلیه ابعاد مربوط به فرآیند ارتکاب جرم، مرحله‌های مختلف رسیدگی کیفری، وضعیت نقش‌آفرینان دعوای کیفری و چگونگی پاسخ‌دهی به بزه‌کاری واقعی‌ترین و متناسب‌ترین شیوه را برمی‌گزیند، به این سان، توافقی‌شدن آیین دادرسی کیفری راهبردی است که با دوجانبه‌کردن فرآیند کیفری و برابرسازی اراده کنشگران (یعنی، مقام قضایی و بزه‌کار) نوع و ماهیت پاسخ عدالت کیفری به بزه‌کاری را به عنوان موضوع حقوق کیفری معرفی کرده است. این راهبرد برای تغییر در چگونگی پاسخ‌دهی به بزه‌کاری، موجبات تحول در ماهیت حقوق کیفری را فراهم آورده و در نتیجه نظام عدالت کیفری را به بستری برای گفتگو و البته این بار میان نماینده جامعه (مقام قضایی) و بزه‌کار تبدیل ساخته است.

نظام عدالت کیفری در ایران، خوشبختانه از رهگذر تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، توانسته است مصادیق متنوعی از راهبرد توافقی‌شدن آیین دادرسی کیفری را پیش‌بینی و شناسایی کند. این مصادیق در این تحقیق، عبارت دانسته شدند از: بایگانی‌کردن پرونده، تعویق تعقیب، تعلیق تعقیب، ترک تعقیب، میانجی‌گری و نظارت قضایی. تمامی این مصادیق، در نوع خود، جلوه‌های بارزی از تمسک به اصل مقتضی‌بودن تعقیب (در مقابل اصل الزامی‌بودن تعقیب) نیز هستند. بر این اساس، مصالحه با بزه‌دیده و جامعه، شخصی‌کردن تعقیب و هویت بخشی به بزه‌کار، پیشگیری از برچسب‌زنی و جامعه‌پذیری دوباره بزه‌کار و پیشگیری از ارتکاب جرم، از جمله آثار این اصل بر بزه‌کار و پیشگیری از قربانی‌شدن مجدد، کسب فرصتی مناسب برای جبران خسارات مادی و معنوی و به رسمیت‌شناختن در فرآیند کیفری نیز از آثار اعمال این قاعده بر بزه‌دیده است. در رابطه با آثار این قاعده بر دستگاه عدالت کیفری نیز می‌توان به قضا‌دایی، کیفرزدایی و کاهش شمار زندانیان و جمعیت کیفری اشاره

نمود. اعمال این اصل موجب می‌گردد تا نظام عدالت کیفری از حالت آرمانگرایی محض خارج و در سمت و سوی مصلحت‌سنجی و واقع‌گرایی قرار گیرد. در پرتو این اصل، عدالت کیفری صرفاً به دنبال پاسخ‌دهی کیفری نیست، بلکه با رویکردی انعطاف‌گرایانه و به منظور تقویت جنبه‌های اصلاحی - درمانی و بالابردن کارایی نظام عدالت کیفری، به بزه‌کاری پاسخ می‌دهد.

بر اساس راهبرد توافقی‌شدن، مقام‌های قضایی و بزه‌کار در خصوص تعیین سرنوشت دعوای کیفری با یکدیگر توافق می‌کنند، در نتیجه شیوه سنتی پاسخ‌دهی به بزه‌کاری - که همواره بر استفاده از ابزارهای کیفری تأکید دارد - کنار گذاشته شده و از روش‌هایی نوپدید بهره جسته می‌شود. بدیهی است این روآوری و کنارگذاری نسبی راهبرد کیفرگرا (دست کم در برخی گستره‌ها) به عواملی بستگی دارد. ناکارآمدی راهبرد سنتی عدالت کیفری و متنوع‌نبودن پاسخ‌ها در آن بستر، هزینه‌داربودن و گاه مشروعیت‌نداشتن واکنش‌های کیفری نزد طرفین دعوای کیفری خصوصاً تحمل‌کنندگان آن‌ها، از جمله بارزترین چالش‌های راهبرد سنتی عدالت کیفری‌اند که قانونگذاران را به سمت تدوین راهبردی جدید در عرصه عدالت کیفری رهنمون ساخته است.

مشارکت نویسندگان

شهاب امینی راستابی: نگارش مقاله، جمع‌آوری داده‌ها، گردآوری منابع.

حسن پوربافرانی و قدرت‌الله خسروشاهی: نگارش مقاله، نظارت و راهنمایی بر مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Nobahar R. The principle of minimum application of criminal law. *Razavi Islamic Sciences Research Journal*. 2011; 8(1): 91-114. [Persian]
2. Najafi Abrandabadi AH, Shadmanfar MR, Tavajohi AAA. Reconciliation and Restorative Justice Theory. *Modarres Human Science*. 2018; 12(3): 193-222. [Persian]
3. Miri SR. Criminal prosecution in a comparative study in the criminal justice system of Iran and England. Tehran: Majd Publications; 2019. Vol.1 p.146-154. [Persian]
4. Niazipour AH. Agreement on criminal procedure. Mizan publishing house, sixth edition, 2017.p.63-81. [Persian]
5. Goldoust Jouybari R. General principles of criminal procedure. 9th ed. Tehran: Jangal Publications; 2016. p.12-34. [Persian]
6. Farzaneh A. Investigating the mechanisms of the principle of appropriateness of prosecution in the light of the Criminal Procedure Law approved in 2013. Master's thesis in criminal law and criminology. Guilan: University of Guilan, 2014.p.43-62. [Persian]
7. Atashkar N. The principle of prosecution in Iran's judicial procedure. Tehran: Research project in the Judiciary Research Institute. 2018.p.72-81. [Persian]
8. Ebrahimi Rad M. The principle of legality of prosecution and the necessity of its orientation towards the appropriateness of prosecution in Iranian criminal law. Master's thesis in criminal law and criminology. Qom: Qom University; 2013. p.217-223. [Persian]
9. Irani Tarabi A. Order of judicial supervision in the criminal procedure of Iran and France. Master's thesis in criminal law and criminology. Tehran: Shahid Beheshti University; 2012. p.72-86. [Persian]
10. Ashouri M. The role of the victim of the crime and its transformation in the criminal lawsuits of criminal justice (collection of articles). 6th ed. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 2015. p.42-61. [Persian]
11. Khaleghi A. Code of Criminal Procedure. 22th ed. Tehran: Shahr-e Danesh Publications; 2015. Vol.1 p.75-81. [Persian]
12. Rezaei GM. Strategies of suspension and postponement in the criminal process. 2nd ed. Tehran: Mizan Publishing House; 2014. p.115-121. [Persian]
13. Newbur DW. Criminal justice system and court structure in America (Criminal Procedure Code). Translated by Karagzlou HR. Tehran: Majd Publications; 2009. Vol.1 p.52-81. [Persian]
14. Zohr H. Little Book of Restorative Justice. Translated by Gholami H. 9th ed. Tehran: Majid Publishing House; 2012. p.32-39. [Persian]
15. Razavi B. Non-criminal mechanisms to respond to crime in Iranian law. Master's Thesis in criminal law and criminology. Isfahan: Isfahan University; 2016. p.92-112. [Persian]
16. Sardar A. A comparative study of the rule of appropriateness of criminal prosecution in Iranian and French law with an emphasis on the new criminal procedure law. Master's Thesis in Criminal Law and Criminology. Tehran: University of Tehran (Ares Campus); 2013. p.44-51. [Persian]
17. Samadi B. Economic analysis of post-criminal strategy in Iran. Master's Thesis in Criminal Law and Criminology. Tehran: Faculty of Law, Shahid Beheshti University; 2013. p.62-74. [Persian]
18. Abbasi M. New horizons of restorative justice in criminal mediation. 6th ed. Tehran: Daneshvar Publications; 2017. p.82-93. [Persian]
19. Mossadegh M. Criminal Procedure. 3rd ed. Tehran: Mizan Publications; 2017. Vol.1 p.321-329. [Persian]
20. Saqian MM. Prevention of recidivism by passing alternatives to criminal prosecution. In: New approaches to crime prevention (collection of articles). 3rd ed. Tehran: Mizan Publications; 2013. Vol.1 p.62-73. [Persian]
21. Gholami H. The principle of minimum criminal law. 1st ed. Tehran: Mizan Publishing House; 2012. p.42-61. [Persian]
22. Soroush M. Basics of privacy based on Islamic teachings. Tehran: Samit Publications; 2013. p.51-62. [Persian]
23. Makarem S. Dissertation on the basics of the government's obligation to interfere in the privacy of individuals. Tehran: Faculty of Law, University of Tehran; 2013. p.62-71. [Persian]
24. Ali Hosseini H. Dissertation on protection of privacy in cyberspace in jurisprudence and law. Tehran: Faculty of Divinity, University of Tehran; 2014. p.92-112. [Persian]
25. Yousefian N. Familiarity with punishments. *Journal of Humanities*. 2015; 5(17): 66-85. [Persian]
26. Mirtahari MA. The appropriateness of prosecution in the Criminal Procedure Law approved in 2013 and

- its foundations. Master's Thesis. Tehran: University of Tehran; 2015. p.62-71. [Persian]
27. Mohammadyari P. Investigating the impact of peaceful criminology findings on Iran's criminal policy. *Journal of Science and Advocacy*. 2017; 1(1): p.207-232. [Persian]
28. Firouzbakht M, Habibi Dargah B, Elsan M. Economic analysis of litigation contract. *Medical Law*. 2021; 15(Special Issue of Legal Innovation): 245-258. [Persian]
29. Saberi N, Qayyumzadeh M, Bagheripour M. An Analysis of Economic Law in the Current Legal Order. *Interdisciplinary Legal Research*. 2021; 2(1): 1-18. [Persian]
30. Oudi MR, Mondani E. The position of the regulations of the government punishment organization in Iran's legal system. Shiraz: World Conference of Psychology and Educational Sciences, Law and Social Sciences at the Beginning of the Third Millennium; 2015. p.82-91. [Persian]
31. Askari Isaabadi Y, Yousefzadeh A. Proceedings in government punishments and its difference with proceedings in courts of justice. Tehran: The First International Comprehensive Law Congress; 2014. p.117-121. [Persian]
32. Shundasht M. Restorative justice and examining its examples in the Islamic. Master's Thesis. Alborz: Payam Noor University; 2013. p.35-41. [Persian]